یک اژدها
و چند تا غول بدجنس از
شاهنامه فرار کرده و آمده‌اند
این سمت... اگر پیدایشان
نکنیم، مدرسه‌تان را خراب
می‌کنند...
آماده‌ی جنگ هستید؟
بیایید...
برای همه‌تان
گرز و شمشیر دارم...
باید حسابشان را برسیم.
آخ جون!
جنگ با اژدها...
بریم غول‌ها رو هم
پیدا کنیم.
همه به پیش...
«چو ایران نباشد تن من مباد»
نمی‌گذارم هیچ‌وقت پای هیچ
غول و اژدهایی
به این سرزمین برسد
وااای...
رستم پیدامون کرد...
حساب همه‌مون
رسیده‌ست.
هوراااا...
هوررراااا...
دارن فرار می‌کنن!